

## ره آورد یک سفر

از تاریخ ۱۸ حمل الی ۱۲ ثور سالروان (۷ اپریل الی ۲ می ۲۰۱۰) غرض بازدید از وطن عزیزم افغانستان وتازه کردن دیدار با دوستان، اقارب و رفقای متعهدم که آینده سازان جامعه افغانی را تشکیل میدهند، سفری داشتم و بیجا نخواهد بود تا داشته های این سفر را با خواننده صفحه انترنتی نهضت آینده افغانستان در میان بگذارم. باید بگویم که این نبشته هیچ جنبه تحریفی ندارد و باز-گویی از واقعیت‌های زنده گی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور بلا کشیده افغانهاست.

### ۱- تصویر کنونی شهر کابل

قبل از آنکه به توضیح این مطلب پردازم ضروری میدانم تا تأکید نمایم که من در زمان اقامتم بیشترین وقتم را در شهر کابل سپری نموده و مؤفق به بازدید از سائر شهرهای بزرگ و کوچک کشورم نگردیدم.



شهر کابل در روز یازدهم ثور بعد از باریدن باران مبین چنان آلوده گی هوا است که اصلاً نمیتوان با معیار های بین المللی آنرا مقایسه کرد. جالب اینستکه هنوز کدام اقدامی برای

احیای کارخانه های تولیدی قبلی و یا تأسیسات جدید تولیدی صورت نه پذیرفته است، زیرا اکثر آلوده گی طوریکه مشهود است بوسیله همین کارخانه ها وارد هوای محلات تولیدی میشود. با وجودیکه درین اواخر در ساختمان سرکهای اساسی و قیرریزی سرکهای قبلی کار زیادی صورت گرفته است ولی شواهد میرساند که از بنیه مالی این بخش ساختمانی نیز دستبرد صورت پذیرفته و مقادیر زیادی ازین هزینه ها به جیب های ارتشایی و پر فساد سرازیر شده و باعث مصرف قلیل در پروژه ها و بالاخره کیفیت نازل آن گردیده است که عواقب آنرا در آینده نزدیک الی دو سال مشاهده خواهیم کرد.

در شهر کابل بلند منزلها و ویلاهای متعددی اعمار گردیده اند که بیننده غیر مسلکی شاید هم تصور میکند که شهر کابل گامی بسوی یک شهر مدرن میگذارد. ولی چنین نیست! این ویلاها که به شیوه معماری پاکستانی یکی دیگر از عناصر تورییدی "جهاد افغانستان" به کشور ماست، بدون در نظر داشت خصوصیات اقلیمی کابل و حل مسائل مربوط به شبکه های اتصالی کانالیزاسیون و یا حفر چاه های سپتیک معیاری اعمار گردیده اند. در پهلوی آن، آبادانی شهر کابل- اکنون از نظر نفوس به یکی از متروپولهای بزرگ جهان مبدل گردیده و قرار احصائیه های تأیید نشده دارای بیشتر از پنج ملیون جمعیت میباشد- چنان خارج پلانهای شهری روبه تشدید است که حدودش را نمیتوان مشخص ساخت. عدم موجودیت طرحهای انکشاف شهری و کلیه ضروریات زیر ساختها پرابلم دیگری است که بر شانه های شهر کابل سنگینی میکند. شهرساز، زمانی امکانات موجوده را از دست داد، به تخریب خانه های "زور آباد" مردم نمیپردازد، بلکه قدم فرا میگذارد تا محلات دورتری را پلان کرده و از اعمار خانه های خود سر در آن نقاط جلوگیری کند و در صورتیکه فشار را کاهش بخشید، بعداً به تخریب منازل "زور آباد" اقدام میکند که در غیر آن مشکل بی سرپناهی مردم نه آنکه حل نمیشود، بلکه در مقابل تشدید مییابد.

چاه های سپتیک فعلی هیچگونه اطمینانی را برای آلوده نشدن آبهای زیر زمینی با خود ندارند. هم اکنون اکثریت رگهای چشمه های آبهای زیر زمینی با امونیاک آلوده شده و در واقعیت آب در شهر کابل غیرقابل استفاده برای آشامیدن گردیده. از همین جاست که انواع امراض محیطی دامنگیر مردم شده و همچنان باعث تشدید آلوده گی محیط زیست میشود. جالب اینست که از افشاً شدن این واقعیت دولتواره کابل جلوگیری نموده، بخاطر حفظ صحت مردم آنچه ضرور است، ابلاغ نمیدارند. توريد مواد غذایی بدون کیفیت و حتی روغنهای سرطانزا که مبین درجه غلیان بالا است نه از جانب وزارت تجارت جلوگیری میشود و نه بعد از تثبیت مضر بودن آن به صحت انسان از جانب وزارت صحت عامه ممنوع الاستفاده قرار میگیرند، بلکه لایسنس توريد،

عرضه و فروش این روغن‌ها بعد از اخذ رشوه، خائنه به وارد کننده گان آن که از جمله زورمندان و تفنگسالاران اند، داده میشود.

به صحت مردم بی بضاعت مرکز و ولایات اصلاً توجهی صورت نمیگیرد و در مقابل به تعداد کلینیک های خصوصی افزوده میشود. این کلینیکها که در دنیای غرب آنرا کمکهای بی شائبه به مردم افغانستان قلمداد میکنند، برای انجام معاینات لابراتواری و کامپیوتری برای تشخیص عوامل ناراحتی مراجعین حداقل مبلغ ۲۰۰ دالر امریکایی و در بعضی موارد معادل آنرا به افغانی مطالبه میدارند. اگر این رقم را با معاشات افرادی که معاش دالری ندارند مقایسه کنیم معاش سه ماهه یک مأمور رتبه سوم (مدیر عمومی) در وزارتخانه های کشور است.

(ادامه دارد)